



Thematic analysis of the legal principles ordained in international treaties of fundamental intellectual ownership

Faranak Khaksar¹, Zohreh Farrokhi^{2*}, Behnam Ensafi Azar³

1. PhD Student, Department of Private Law, Faculty of Humanities, Islamic Azad University, Shiraz Branch, Shiraz, Iran.
2. Assistant Professor, Department of Private Law, Faculty of Humanities, Islamic Azad University, Shiraz Branch, Shiraz, Iran.
3. Assistant Professor, Department of Private Law, Faculty of Humanities, Islamic Azad University, Shiraz Branch, Shiraz, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original Research

Pages: 1-16

Article history:

Received: 10 Aug 2021

Edition: 30 Sep 2021

Accepted: 27 Oct 2021

Published online: 25 Dec 2021

Keywords:

Intellectual Works, Ownership, Legal Principles, International Treaties

Corresponding Author:

Zohreh Farrokhi

Address:

Department of Private Law, Faculty of Humanities, Islamic Azad University, Shiraz Branch, Shiraz, Iran.

Orchid Code:

0000-0002-8063-2635

Tel:

09173090445

Email:

Farrokhi.zohreh@gmail.com

ABSTRACT

Background and Aim: Acceptance of international intellectual property treaties such as; Paris, Bern, Washington, Rome and Thripe are the objects of international intellectual property protection by the majority of countries in the world. These treaties refer to principles that are important in the study of intellectual property rights due to their effective role in interpreting the rules set forth in the treaties and determining the limits of international intellectual property protection. The most important of these principles are: the principle of national behavior, the principle of complete conduct, the principle of the need to provide for minimum wages, the principle of independence of rights, the principle of prohibition of unfair competition and the principle of prohibition of abuse of rights.

Materials and Methods: The study of descriptive-analytical topics is based on information from libraries and reputable sites.

Ethical considerations: This article respected of the intellectual ownership rights of the authors that their work have been exploited.

Results: In order to gain the protection of the intellectual property rights of their citizens by other states, states are forced to accede to international intellectual property treaties and accept the principles set forth in it, which results in the international legal protection of some intellectual property cases. Is.

Conclusion: Considering the permanence of the principles under consideration (principle of national conduct, full conduct, necessity of anticipating minimum wages, independence of rights, prohibition of unfair competition and prohibition of abuse of rights) by the Contracting States and the unity of the criterion It is a theory that these principles, in order to be accepted by the civilized nations which are the same as the Contracting States, are called the general principles of international intellectual property law.

Cite this article as:

Khaksar F, Farrokhi Z, Ensafi Azar B. Thematic analysis of the legal principles ordained in international treaties of fundamental intellectual ownership. *Economic Jurisprudence Studies* 2021-2022; Review on New Researches of Jurisprudence and Law.



مطالعات فقه اقتصادی

ویژه نامه جستارهای نوین فقه و حقوق ۱۴۰۰



فصلنامه مطالعات فقه اقتصادی، ویژه نامه جستارهای نوین فقه و حقوق، ۱۴۰۰

تحلیل موضوعی اصول حقوقی مقرر در معاهدات بین‌المللی مالکیت فکری بنیادین

فرانک خاکسار^۱، زهره فرخی^{۲*}، بهنام انصافی آذر^۳

۱. دانشجوی دکتری، گروه حقوق خصوصی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شیراز، شیراز، ایران.

۲. استادیار، گروه حقوق خصوصی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شیراز، شیراز، ایران.

۳. استادیار، گروه حقوق خصوصی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شیراز، شیراز، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: پذیرش معاهدات بین‌المللی مالکیت فکری همچون؛ پاریس، برن، واشنگتن، رم و تریپس توسط اکثریت کشورهای جهان از اسباب حمایت بین‌المللی مالکیت فکری می‌باشد. در این معاهدات به اصولی اشاره شده که به جهت نقش موثرشان در تفسیر قواعد مقرر در معاهدات و تعیین حدود حمایت بین‌المللی مالکیت فکری در مطالعات حقوق مالکیت فکری حائز اهمیت می‌باشند. اهم این اصول عبارتند از: اصل رفتار ملی، اصل کامله الوداد، اصل لزوم پیش‌بینی حداقل حقوق، اصل استقلال حقوق، اصل منع رقابت غیرمنصفانه و اصل منع سوءاستفاده از حق.

مواد و روش‌ها: مطالعه مباحث توصیفی-تحلیلی، بر مبنای اطلاعات کتابخانه‌ای و سایت‌های معتبر می‌باشد.

ملاحظات اخلاقی: مقاله حاضر با رعایت حقوق معنوی نویسندگانی می‌باشد که از تألیفات ایشان بهره‌برداری شده است.

یافته‌ها: دولت‌ها جهت جلب حمایت حقوق مالکیت فکری اتباع آنان توسط سایر دولت‌ها، ناچار به عضویت در معاهدات بین‌المللی مالکیت فکری و پذیرش اصول مقرر در آن می‌باشند که نتیجه این امر، حمایت حقوقی بین‌المللی برخی از مصادیق فکری است.

نتیجه: نظر به ماندگاری اصول تحت بررسی (اصل رفتار ملی، کامله الوداد، لزوم پیش‌بینی حداقل حقوق، استقلال حقوق، منع رقابت غیرمنصفانه و منع سوءاستفاده از حق) توسط دول متعاقد و وحدت ملاک از بخش ج بند ۱ ماده ۳۸ دیوان بین‌المللی دادگستری لاهه، این نظریه قابل طرح است که اصول مزبور را به جهت پذیرش آن توسط ملل متمدن که همان دول متعاقد می‌باشند، اصول کلی حقوق بین‌المللی مالکیت فکری بنامیم.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۱-۱۶

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۵/۱۹

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۰/۰۷/۰۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۸/۰۵

تاریخ انتشار: ۱۴۰۰/۱۰/۰۴

واژگان کلیدی:

آثار فکری، مالکیت، اصول حقوقی، معاهدات بین‌المللی.

نویسنده مسوول:

زهره فرخی

آدرس پستی:

ایران، شیراز، واحد شیراز، دانشگاه

آزاد اسلامی، دانشکده علوم انسانی،

گروه حقوق خصوصی.

تلفن:

۰۹۱۷۳۰۹۰۴۴۵

کد ارکید:

0000-0002-8063-2635

پست الکترونیک:

Farrokhi.zohreh@gmail.com

۱. مقدمه

آثار فکری به عنوان یک قسم از اموال، وجود مجردی است، ماحصل تراوشات ذهنی توأم با ابتکار و خلاقیت خالق آن که به دو دسته کلی صنعتی و ادبی تقسیم و به مالک آن در چهارچوب مقررات داخلی و معاهدات بین‌المللی، یک سری حقوق مادی (موقت و قابل انتقال) و حقوق معنوی (دائمی و غیرقابل انتقال) اختصاص می‌یابد.

بر طبق آنچه پیشینیان بیان داشته‌اند؛ سابقه حمایت حقوقی از اموال فکری به قرن پانزدهم میلادی و حقوق مربوط به ورقه اختراع، به شهر ونیز برمی‌گردد (تیچ و پورتر، ۱۹۹۶، ۱۶۰) که به تدریج سایر کشورهای اروپایی اقدام به پیش‌بینی این حقوق مالکانه در قوانین خود نمودند. به‌گونه‌ای که در شروع قرن هجدهم میلادی همزمان با رشد و شکوفایی علم و صنعت، شناسایی حق مالکیت فکری به عنوان حقی الزام‌آور در اکثریت کشورهای جهان فراگیر شد. لیکن اصل سرزمینی بودن قوانین و دشوار بودن ثبت همزمان آثار فکری در تمامی کشورها و توسعه تکنولوژی و سرعت فناوری‌های ارتباطی در انتقال مطالب به همراه خصیصه‌های خاص آثار فکری، همچون سهولت نشر و کپی‌برداری آن در خارج از قلمرو سرزمینی ثبت آن، موجب نگرانی مالکان آثار فکری شد. چرا که مقررات ملی، صرفاً تکالیفی را برای افراد دولت متبوع در قلمرو تحت حاکمیت آن کشور فراهم می‌آورد و به طور معمول حمایت مزبور، محدود به مرزهای کشوری بود که این حق بدو در آن شناسایی گردیده و افراد خارج از آن قلمرو بدون

اجازه صاحب حق می‌توانستند از آن بهره‌مند شوند بدون آنکه هزینه این انتفاع را پرداخت نمایند. به سبب این معضلات، مالکان آثار فکری حفظ حقوق‌شان را در رعایت احتیاط‌های لازم در جلوگیری از کپی‌برداری آن دانسته، دولت‌ها نیز با توسل به شیوه‌های مرسوم، همچون اتخاذ رفتار متقابل، تنظیم معاهدات بین‌المللی دوجانبه و چندجانبه، به حمایت از حقوق مالکانه اتباع خود بر آثار فکری در قلمرو کشورهای متعاقد برآمدند. لیکن محدود بودن حمایت به کشورهای مزبور، منجر به تنظیم انبوهی از قراردادهای دوجانبه و چندجانبه‌ای شد که شرایط بسیار متفاوتی در آنها گنجانده شده بود. واقعیت، عدم توفیق این تلاش‌ها بود. حال دغدغه دولت‌ها یافتن راه‌حلی جهت حمایت از حقوق مالکیت فکری در سطح جهانی و تحمیل حداقل استانداردهای حمایتی بر همه دولت‌ها بطور یکسان بود.

ظهور معاهدات بین‌المللی با هدف یکسان‌سازی قواعد و الزام دولت‌ها به رعایت حقوق حداقلی مالکان آثار فکری از طریق تصویب دو معاهده بین‌المللی پاریس (با موضوع آثار فکری صنعتی) و برن (با موضوع آثار فکری ادبی و هنری) و سپس تشکیل سازمان بین‌المللی به نام دفتر بین‌المللی از ادغام دفاتر دو اتحادیه پاریس و برن در سال ۱۸۹۳ نتیجه این تلاش‌ها بود که این دفتر با انجام یک سری اصلاحات ساختاری و اداری در سال ۱۹۷۰ به سازمان جهانی مالکیت فکری تبدیل و در سال ۱۹۷۴ به عنوان یکی از سازمان‌های تخصصی سازمان ملل پذیرفته شد. این فرایند موفقیت‌آمیز

۲. مواد و روش‌ها

طریقه مطالعه مباحث توصیفی-تحلیلی و بر مبنای اطلاعات کتابخانه‌ای و سایت‌های معتبر می‌باشد.

۳. ملاحظات اخلاقی

این مقاله با رعایت حقوق معنوی نویسندگانی می‌باشد که از تألیفات ایشان بهره‌برداری شده است.

۴. یافته‌ها

دولت‌ها جهت جلب حمایت حقوق مالکیت فکری اتباع اشان توسط سایر دولت‌ها، ناچار به عضویت در معاهدات بین‌المللی مالکیت فکری و پذیرش اصول مقرر در آن می‌باشند که نتیجه این امر، حمایت حقوقی بین‌المللی برخی از اموال فکری است.

۵. بحث

۵-۱. جایگاه اصول حقوقی و اهمیت مطالعه آن

پیش از طرح اصول مقرر در معاهدات بین‌المللی مالکیت فکری بنیادین، بهتر آن است که به مفهوم و اهمیت مطالعه اصول کلی حقوق که علی‌رغم نقش بسیار مهم آن در ساختار حقوقی، در حد کفایت مورد مطالعه قرار نگرفته‌اند، بپردازیم.

اصل را ریشه، بن، اساس و هر چیزی و هر آنچه وجود آن چیز بسته به آن باشد (دهخدا، ذیل کلمه اصل)، معنا کرده‌اند. با مطالعه علوم نظری و عملی، تمایل بشر به قاعده‌مند ساختن علوم و پایه‌گذاری

متوقف نشد و در مذاکرات دور آروگونه جهت رفع نقایص معاهدات قبلی و ایجاد یک ساز و کار اجرایی مؤثر، حقوق مالکیت فکری در قالب موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت (گات) مطرح، منجر به تصویب موافقتنامه جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری گردید، پذیرش عضویت دولت‌ها در سازمان تجارت جهانی موکول به حمایت از مالکیت فکری، یکسان‌سازی قوانین و مقررات ملی با الگوپذیری از معاهدات پاریس و برن شد. هر چند کشورها از لحاظ بین‌المللی الزامی به عضویت و الحاق به نهادها و معاهدات بین‌المللی ندارند. لیکن ترجیح کشورها با تحلیل آثار رفتار بین‌المللی‌شان، هم‌سویی با این جریان جهانی است که در غیر این صورت، این عدم تعامل منجر به انزوا و محدودیت‌های تجاری برای ایشان خواهد شد.

در مطالعه مالکیت فکری به عنوان مالکیتی که به جهت خاصیت ذاتی اموال فکری در لوای معاهدات خصیصه بین‌المللی یافته، فهم اصول حقوقی پذیرفته شده در معاهدات مزبور حائز اهمیت است که به جهت محدودیت طرح مباحث در مقاله به مطالعه مهمترین این اصول در پنج معاهده مذکور در بند ۳ ماده یک موافقتنامه تریپس که به جهت اهمیت و رعایت ایجاز در این نوشتار معاهدات بین‌المللی بنیادین نامیده شده، می‌پردازیم. این معاهدات عبارتند از؛ کنوانسیون پاریس ۱۹۶۷، معاهده برن ۱۹۷۱، کنوانسیون رم ۱۹۲۸، معاهده مالکیت فکری درخصوص مدارهای یکپارچه ۱۹۸۹ و موافقتنامه جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری (تریپس) ۱۹۹۴.

حیات به دو دسته تقسیم نموده‌اند. اصول فطری که جنبه دائمی دارند و دسته دیگر که به جهت نیازهای اقتصادی، اجتماعی بشر، خلق شده و با قانون‌گذاری آتی قابل تغییراند (صادقی، ۱۳۹۴، ۵۱).

نقش اصول حقوقی در اختلافات قضایی حائز اهمیت است. رویه قضایی خود را مکلف به احترام به اصول قانونی دانسته و بدین طریق اصول حقوقی را تقویت می‌نماید و در عین حال ابایی از انتقاد یک اصل نداشته و ورود استثناء بر یک اصل حقوقی توسط رویه قضایی بعید نمی‌باشد (شیخی، ۱۳۹۴، ۹۳-۹۱).

همان‌طور که دکتربین حقوقی بیان داشته، در برخی نگارش‌های حقوقی اصطلاح قاعده حقوقی مترادف اصل حقوقی به کار گرفته شده است (انصاری و حاجیان، ۱۳۹۵، ۳۶). هرچند این دو اصطلاح در معنای لغوی مترادف می‌باشند (دهخدا، ذیل کلمات اصل و قاعده). و هر دو استانداردهای حقوقی را ارائه می‌دهند، لیکن متمایز از یکدیگر بوده (میچل، ۲۰۰۷، ۷۹۷)، یکسان دانستن آن صحیح نمی‌باشد (مارسو، ۲۰۰۱، ۱۰۸۷-۱۰۸۶). قواعد حقوقی موارد استعمال اصول بوده (بولانژه، ۱۳۷۶، ۸۰)، احکام کلی الزام‌آورند که از سوی مرجع ذیصلاح به منظور ایجاد نظم در روابط اجتماعی وضع گردیده و مصنوع قانون‌گذاری صالح‌اند. در حالی که اصول حقوقی جایگاهی فراقانونی و بالاتر از قواعد دارند و تبعیت از آن حتی برای قانون‌گذار الزامیست و مقنن نمی‌بایستی

آن بر یک سری اصول را درمی‌یابیم. متون حقوقی نیز از این امر مستثنی نبوده، علاوه بر بنای این علم بر اصول کلی حقوق در شاخه‌های آن نیز اصول حقوقی اختصاصی ملاحظه می‌شود.

«اصول حقوقی، احکام کلی، دائمی و الزامی‌اند که مبنای حقوق موضوعه قرار گرفته و عقل مستقل آن را برای تضمین حقوق اساسی و سعادت انسان‌ها ضروری دانسته، بند ج بخش ۱ ماده ۳۸ دیوان بین‌المللی دادگستری لاهه، اصول کلی حقوق که مقبول ملل متمدن می‌باشد را از منابع حقوق شمرده است. در اهمیت یافتن و بررسی اصول کلی حقوق بین‌الملل باید خاطر نشان ساخت که جملگی این اصول یک وجه اشتراک دارند و آن اعتقاد عمومی اعضای جامعه بین‌المللی به وجود این اصول است. مؤسسه حقوق بین‌الملل ضمن پژوهش معنای کلمه اصل در قطعنامه‌های سازمان ملل متحد، به این نتیجه رسید که واژه اصل در قطعنامه‌ها در معانی مختلفی به کار رفته، که از آن جمله: در معنای یک اصل حقوقی یا غیرحقوقی یا یک هنجار عالی‌تر و به معنی هنجاری که قاعده جزیی را می‌آفریند و به مثابه یک خواست حقوقی یا سیاسی و به معنای قاعده رهنمون و هادی برای تفسیر می‌باشد.» (محمودی کردی، ۱۳۹۷، ۳۳۹-۳۲۹).

باید خاطر نشان ساخت، اصول مقرر در معاهدات بین‌المللی خود برگرفته از اصولی دیگر، همچون احترام به مالکیت و اراده عام (قرارداد اجتماعی) می‌باشند (کک دین و همکاران، ۱۳۸۲، ۱۱۳). برخی از حقوق دانان، اصول حقوقی را از جهت طول

اقامتگاه‌شان در محدوده حاکمیت دول عضو از حمایتی مشابه اتباع دولت متبوع آن کشور برخوردار خواهند بود. در نتیجه ذی‌نفعان معاهده از دو دسته حقوق بهره‌مند می‌گردند؛ «حقوق داخلی و حقوق معاهده‌ای که حسب مورد، می‌توانند به یکی از آنها استناد نمایند. لیکن باید توجه داشت در کشور خاستگاه اثر نمی‌توانند به حقوق معاهده‌ای استناد نمایند. مگر آنکه قانون محل خاستگاه چنین امری را تجویز نماید.» (محمدزاده وادقانی، ۱۳۹۳، ۳۸-۳۷)

با مطالعه پرونده نمایش روابط عاشقانه گلدونی در چیوگیا (Goldoni's Love affairs in Chioggia) (1968)، درک بهتری از اصل رفتار ملی خواهیم داشت. در این پرونده یک نمایش تلویزیونی توسط تئاتر پیکولو میلان در شهر میلان ایتالیا ضبط و اجازه پخش اختصاصی آن به سازمان آر ای آی (RAI) اعطاء شد. لیکن شبکه اف دی اف (FDF) آلمان، اقدام به بازپخش آن بدون مجوز نمود. اجراکنندگان برنامه که مجوز بهره‌برداری آن را به سازمان آر ای آی داده بودند، اقدام به طرح دعوا علیه شرکت اف دی اف در محاکم آلمان نمودند. لیکن دعوای ایشان علی‌رغم الحاق دولت آلمان به کنواسیون رم رد شد که اگر کشور ایتالیا نیز عضو کنوانسیون رم بود، مطابق اصل رفتار ملی چنین حقی برای خواهان متصور می‌بود.

مطابق معاهده تریپس اتباع سایر اعضا «آن دسته از اشخاص حقیقی یا حقوقی تبعه آن عضواند که معیارهای لازم برای برخوردارگی از حمایت‌های پیش‌بینی شده در معاهده پاریس ۱۹۶۷، معاهده

قاعده حقوقی را وضع نماید که مغایر با اصول حقوقی می‌باشد (حیاتی، ۱۳۹۷، ۱۵).

۵-۲. اصول حقوقی مقرر در معاهدات بین‌المللی مالکیت فکری بنیادین

با شرح مختصر تحولات بین‌المللی مالکیت فکری و تعریف اصول کلی حقوق، به بیان برخی از اصول مقرر در معاهدات بین‌المللی مالکیت فکری بنیادین می‌پردازیم. این اصول عبارتند از: اصل رفتار ملی، اصل کامله الوداد، اصل لزوم پیش‌بینی حداقل حقوق، اصل استقلال حقوق، اصل منع رقابت غیرمنصفانه و اصل منع سوءاستفاده از حق.

۵-۲-۱. اصل رفتار ملی

اصل رفتار ملی به عنوان یک قاعده حقوق بین‌الملل خصوصی (رگوی، ۲۰۱۵، ۵۹). از جمله اصول غیرقابل رزرو، مندرج در پنج معاهده بین‌المللی مالکیت فکری بنیادین، بدین مفهوم است که از دول متعاقد انتظار می‌رود در روش‌های حمایتی مالکیت فکری با اتباع دول عضو همچون اتباع دولت خود رفتار نموده و هرگونه امتیازی را که در این خصوص به اتباع خود تخصیص می‌دهند به اتباع و افراد مقیم سایر کشورهای عضو نیز اعطاء نمایند (کولستون، ۱۹۹۹، ۷-۸). مقصود از حقوق اعطایی، حقوق و امتیازاتی است که توسط قوانین حقوق مؤلف یا سایر قوانین یا رویه قضایی مقرر شده و آنچه تحت عنوان شغلی و صنفی به مؤلف تعلق می‌گیرد، خارج از شمول این اصل می‌باشد. بدین ترتیب مالکان آثار فکری فارغ از ملیت و

برن ۱۹۷۱، کنوانسیون رم و معاهده مالکیت فکری درخصوص مدارهای یکپارچه را داشته باشند. چنانچه گویی تمام اعضای سازمان تجارت جهانی عضو آن معاهدات می‌باشند.» (بند ۳ ماده ۱ موافقت‌نامه تریپس) البته با توجه به امکان عضویت و الحاق سازمان‌های بین‌دولتی به معاهده مدارهای یکپارچه، اتباع در این معاهده، تابعین هر یک از کشورهای عضو سازمان مزبوراند (ماده ۱۵ معاهده واشنگتن).

معیارهای مشترک جهت حمایت اشخاص حقیقی و حقوقی در معاهدات مذکور تابعیت یکی از دول متعاقد، اقامت یا داشتن مؤسسه صنعتی یا تجاری واقعی و معتبر در یکی از کشورهای عضو می‌باشد و شروط دیگر، معیارهای مقرر در کنوانسیون رم و معاهده برن می‌باشند که عبارتند از: اولین اجرا، اولین تثبیت و اولین انتشار در یکی از دول عضو که به شرح مختصر شروط اخیر می‌پردازیم.

معاهده برن طی بندهای متعدد اصل رفتار ملی را بدین صورت بیان نموده است: «دولت‌های عضو از آثار نویسندگانی که تابعیت یکی از کشورهای عضو را دارا بوده یا مقیم دول عضو باشند، خواه این آثار منتشر شده یا نشده باشد و همچنین نویسندگانی که تبعه کشورهای متعاقد نیستند لیکن اثرشان برای اولین بار در یکی از دول عضو یا به‌طور همزمان در یکی از دولت‌های عضو و غیرعضو منتشر شده و همچنین تهیه‌کنندگان آثار سینمایی که محل سکونت یا تهیه فیلم آنها در یکی از کشورهای عضو باشد و طراحانی که آثار معماری خود را در یکی از دول عضو بنا نموده یا در ساخت

بنا یا سایر آثار هنری گرافیکی-تجسمی در یکی از کشورهای عضو همکاری داشته باشند همانند آثار اتباع دولت خود حمایت می‌نمایند. البته به این اصل استثنایی وارد شده و آن وضعیتی است که «محل اولین انتشار اثر یکی از کشورهای عضو باشد لیکن مالک اثر فکری تبعه کشور غیرعضو بوده و در یکی از ممالک عضو اقامت نداشته و دولت متبوع او از آثار پدیدآورندگان کشور عضو معاهده برن حمایت کافی به‌عمل نیاورد. دولت عضو خاستگاه اثر می‌تواند حمایت خود را از آن اثر محدود نماید و به تبع آن سایر دول متعاقد نیز الزامی به اعطای حمایت بیش از آنچه که کشور محل نخستین انتشار برای آن اثر قائل شده، نخواهند داشت.» (محمدزاده وادقانی و محسنی، ۱۳۸۸، ۳۹۵-۳۹۴) کنوانسیون رم اجرای اصل رفتار ملی نسبت به هنرمندان مجری یا اجراکنندگان را در صورتی می‌پذیرد؛ «که اولین اجرا یا تثبیت در حامل صوتی در یکی از دول متعاقد بوده و در صورتی که در یک حامل صوتی تثبیت نشده باشد. به‌وسیله برنامه‌های مورد حمایت کنوانسیون پخش شده باشد و درخصوص تولیدکنندگان حامل‌های صوتی، اعمال رفتار ملی منوط به داشتن تابعیت یکی از دول متعاقد یا انتشار و تثبیت صدا برای اولین بار در یکی از کشورهای عضو است.» (مواد ۴ و ۵ معاهده رم)

همانطور که ملاحظه شد؛ اصل رفتار ملی منجر به حمایت بین‌المللی از مصادیق مورد پذیرش معاهدات بین‌المللی بنیادین می‌گردد و این حمایت را می‌توان یکی از دلایل خصیصه بین‌المللی

مالکیت فکری تلقی نمود. چراکه این مالکیت محدود به یک سرزمین خاص نبوده، به عنوان یک حق الزام‌آور در ممالک عضو شناسایی گردیده است.

۵-۲-۲. اصل کامله الوداد

گنجاندن اصل کامله الوداد، مترادف اصل سیاست تجاری بدون تبعیض به عنوان یک شرط در معاهدات بین‌المللی از قرن هجدهم میلادی آغاز، با شروع جنگ جهانی اول متوقف و پس از جنگ جهانی دوم مجدداً در تعدادی از معاهدات بین‌المللی (یونیکیتد سری، ۲۰۱۰، ۱۱-۹) از جمله موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت (گات)، موافقت‌نامه عمومی تجارت خدمات (گاتس) مقرر گردید. اصل کامله الوداد به جهت تشابه در چگونگی رفتار با اتباع بیگانه نزدیک به مفهوم اصل رفتار ملی است، لیکن متمایز از آن می‌باشد.

اصل کامله الوداد مؤید آن است «... رفتاری که توسط کشور اعطاء‌کننده با کشور ذینفع یا افراد و چیزهایی که در ارتباط با آن کشور هستند، اتخاذ می‌گردد می‌بایستی از رفتار با کشور ثالث یا افراد و چیزهای مشابه در ارتباط با کشور ثالث، نامطلوب‌تر نباشد.» (گزارش کمیسیون به مجمع عمومی، ۱۹۷۹، ۲۱). قضیه امیلیو آگوستین مافزینی علیه دولت اسپانیا نمونه طرح شرط کامله الوداد به عنوان یک دفاع می‌باشد. در این پرونده آقای امیلیو آگوستین مافزینی، یک تبعه آرژانتینی بود که در یک شرکت اسپانیایی سرمایه‌گذاری نموده و بر اساس موافقت‌نامه سرمایه‌گذاری

دوجانبه آرژانتین و اسپانیا (BIT) علیه دولت اسپانیا نزد نهاد داوری طرح دعوا کرد. اسپانیا مدعی عدم صلاحیت مرجع داوری بود. زیرا که سرمایه‌گذار بر طبق شرط حل اختلاف مندرج در معاهده مذکور طرح دعوا نکرده بود بر طبق این شرط اختلاف بین سرمایه‌گذار و دولت قبل از ارجاع به داوری بین‌المللی، می‌بایستی نزد محاکم کشور میزبان (در این مورد، محاکم اسپانیا) مطرح گردد. لیکن به استدلال خواهان، شرط کامله الوداد مقرر در معاهده مستند دعوا به وی اجازه می‌دهد تا از شرایط مطلوب‌تری که فی‌مابین دولت شیلی-اسپانیا که بر طبق آن لزومی به مراجعه محاکم کشور میزبان قبل از مراجعه به مرجع داوری نیست، بهره‌مند گردد.

از معاهدات مالکیت فکری بنیادین، صرفاً موافقت‌نامه تریپس به اصل کامله الوداد پرداخته است. به نظر می‌رسد، عدم طرح اصل کامله الوداد در سایر معاهدات بین‌المللی مالکیت فکری بدین جهت باشد که اصل رفتار ملی در حمایت از حقوق مالکان فکری کفایت می‌نماید. چرا که دولت‌ها به‌طور معمول رفتاری که نسبت به بیگانگان می‌نمایند، مطلوب‌تر از رفتار نسبت به اتباع خود نیست (فتحی‌زاده، ۱۳۸۸، ۱۷۳). به موجب ماده ۴ موافقت‌نامه تریپس «هرگونه مزایا، منافع، امتیازات یا معافیتی که در خصوص حمایت از مالکیت فکری، یک عضو به اتباع کشور دیگر اعطاء نماید، فوراً و بدون هیچ‌گونه قید و شرطی در مورد اتباع اعضای دیگر نیز پذیرفته خواهد شد.» به طور مثال، اگر دولتی تعرفه کالاهای وارداتی کشوری را کاهش

نیز به اتباع دول متعاقد اعطاء نشده باشد. در اینجاست که تکلیف به اعطای حقوق حداقلی این حمایت را تکمیل می‌نماید.

۵-۲-۳. اصل اعطای حداقل حقوق

منظور از حداقل حقوق مجموع قواعد، امتیازات، حقوق مادی و معنوی مقرر در معاهدات و اصلاحات بعدی آن برای مالکان آثار فکری است که دول عضو مکلف به پیش‌بینی آن در قوانین ملی خود می‌باشند. آنچه با مطالعه معاهدات بین‌المللی مالکیت فکری بنیادین درمی‌یابیم، این است که در برخی از این معاهدات اصطلاح حداقل حقوق به کار رفته، لیکن در برخی دیگر بدون اشاره به این اصطلاح بسته به موضوع معاهده، حداقل‌هایی برای مالکان آثار فکری تحت حمایت پیش‌بینی شده است (رایکمن، ۱۹۹۵). بنابراین با در نظر گرفتن ممنوع شدن حق رزرو و پیش‌بینی اصل رفتار ملی در تمامی معاهدات مالکیت فکری بنیادین، دول عضو موافقت‌نامه‌های مزبور مکلف به فراهم نمودن حداقل استانداردهای مقرر در معاهدات برای اتباع دولت خود و اتباع سایر دول عضو می‌باشند.

در خصوص حمایت‌های حداقلی از سازمان‌های پخش رادیویی و تلویزیونی مطابق مواد ۲ و ۶ کنوانسیون رم «کشور عضو معاهده می‌بایستی حداقل حمایت‌های مندرج در این معاهده را به اتباع سایر کشورهای عضو اعطاء نماید، حتی اگر این حقوق را برای اتباع داخلی خود اعطا ننموده باشد. ولی هیچ کشوری نمی‌تواند محدودیت‌هایی بیش از آنچه در کنوانسیون رم تعیین شده، بر اتباع

دهد، می‌بایستی این امتیاز را به سایر اعضاء نیز اعطا نماید. در عین حال استثنائاتی به این اصل وارد شده است. بر طبق مقرر مذکور؛ «مزایا، منافع، امتیازات یا معافیتی که در خصوص حقوق اجراکنندگان، تولیدکنندگان آثار صوتی و مؤسسات پخش‌کننده خارج از چارچوب موافقت‌نامه حاضر باشد یا از موافقت‌نامه‌های بین‌المللی معاضدت قضایی یا اجرای قانون دارای ماهیتی عام که به طور خاص به حمایت از مالکیت فکری محدود نگردیده، ناشی شده یا بر طبق مقررات معاهده برن (۱۹۷۱) یا کنوانسیون رم اعطا شده باشد که اجازه می‌دهد رفتار متخذه تابعی از رفتار ملی نبوده، بلکه از رفتار پذیرفته شده در کشور دیگر تبعیت نماید (معامله متقابل)؛ یا از آن دسته از موافقت‌نامه‌های بین‌المللی مربوط به حمایت از مالکیت فکری ناشی شده باشد که قبل از لازم‌الاجرا شدن موافقت‌نامه سازمان تجارت جهانی به اجرا در آمده و به اطلاع شورای جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری رسیده و در عین حال تبعیض خودسرانه یا ناموجه علیه اتباع اعضای دیگر قائل نشوند.»

بنابراین پیروی از اصل کامله الوداد اعضای موافقت‌نامه تریپس را مکلف می‌نماید، در صورت اعطاء حقوق یا معافیتی به اتباع یکی از دول متعاقد، این امتیازات به طور خودکار به اتباع سایر دول عضو نیز اختصاص یابد. با جمع این اصل و اصل رفتار ملی حمایت بین‌المللی از مالکیت فکری آشکار می‌گردد. لیکن کافی نیست. چرا که ممکن است در نظام حقوقی سایر اعضاء حمایت کافی از مالکیت فکری صورت نگرفته و امتیاز مورد توجه‌ای

۵-۲-۴. اصل استقلال حقوق

راهکاری که توسط معاهدات بین‌المللی بنیادین جهت امکان الحاق تعداد بیشتری از کشورها به این موافقت‌نامه‌ها اتخاذ شده، اعطاء اختیاراتی (محدود به قواعد مقرر در آن) به دول عضو برای عدول از برخی مقررات معاهدات مزبور در قوانین ملی است که نتیجه این اختیار، ظهور دو وضعیت متعارض حقوق کمتر و حقوق بیشتر می‌باشد. بدین ترتیب کشورهایی که قلمرو حقوق اعطایی را محدود نموده‌اند در مقایسه با دولت‌هایی که منطبق با مفاد معاهدات بین‌المللی رفتار می‌نمایند و کشورهای که به استناد اختیارات اعطایی به قلمرو امتیازات افزوده‌اند، حقوق کمتری به مالکان آثار فکری و حقوق مرتبط اعطاء می‌نمایند.

حال سؤالی که مطرح می‌شود؛ این است که اگر در راستای این اختیار در اجرای قوانین دول عضو تعارضی پیش آید کدام قانون ملاک است؟ قانون کشوری که مفاد آن منطبق با معاهدات بین‌المللی است یا قانون کشوری که قواعدی متفاوت از متن معاهدات مزبور، مقرر نموده است؟

پاسخ به این سؤال، در اصل استقلال حقوق که به اصل رفتار مستقل نیز تعبیر و در دو معاهده پاریس و برن به آن اشاره شده (دینوودی، ۲۰۰۹، ۷۳۴؛ منگ، ۲۰۱۸، ۳۳۹)، مستتر است. این اصل که امروزه در بحث‌های آکادمی مورد توجه قرار گرفته (ماتولیونیت، ۲۰۱۳)، علاوه بر جایگاه اصلی آن در دعاوی حقوق بین‌الملل خصوصی اعم از قراردادی و غیرقراردادی، به عنوان قاعده حل تعارض قوانین مطرح گردیده است (ماتولیونیت، ۲۰۱۳). به

سایر کشورهای عضو اعمال نماید. حتی اگر این محدودیت‌ها را در قانون داخلی خود مقرر نموده و در مورد اتباع کشور خود اعمال نماید.» فرض کنید؛ در پرونده برنامه روابط عاشقانه گلدونی در چیوگیا، هر دو کشور آلمان و ایتالیا به کنوانسیون رم ملحق شده بودند و قانون آلمان برخی حقوق را استثناء کرده بود. آیا اجراکنندگان حق طرح دعوا را بر طبق آن حقوق داشتند؟ بر طبق مقرر مذکور پاسخ مثبت است. حال فرض کنید، ضبط اثر مورد بحث در کشور آلمان صورت می‌گرفت. آیا اجراکنندگان اثر می‌توانستند بر طبق حقوق معاهده‌ای به این حقوق استثناء شده استناد نمایند؟ این بار پاسخ منفی است. مگر آن که قانون کشور آلمان چنین امتیازی را تجویز می‌نمود.

تردیدی که در خصوص اعطاء حقوق حداقلی ایجاد شده، مواردی همچون اعطای مهلت‌های ارفاقی، امتیازات در نظر گرفته شده برای کشورهای کمتر توسعه‌یافته و صدور مجوزهای اجباری است که به‌گونه‌ای حقوق حداقلی کنار گذاشته می‌شود. پاسخ به این شبهه آن است که حداقل حمایت در نظر کشورهای توسعه‌یافته، در مقایسه با کشورهای در حال توسعه متفاوت بوده و امتیازات مزبور، سبب نمی‌شود تا اصل لزوم رعایت استانداردهای حداقلی حمایت از حقوق مالکیت فکری بی‌اعتبار گردد. بلکه صرفاً در ارتباط با کشورهای در حال توسعه و کمتر توسعه‌یافته استثنائاتی بر اصل مذکور وارد شده است (جرویسی، ۱۳۹۵، ۴۷۲-۴۷۱).

موجب این اصل، اثر در کشورهای متعاقد می‌بایستی مستقل از قانون کشور مبدأ (به طور مثال محل اولین انتشار اثر یا صدور ورقه اختراع) مورد حمایت قرار گیرد (بوشیو، ۲۰۱۳، ۳۲۳). منظور از کشور مبدأ دولت عضوی است که دارنده حقوق انحصاری در آن دارای یک مؤسسه صنعتی یا تجارتي حقیقی و معتبر باشد و در غیر این صورت، دولت عضوی است که دارنده حق انحصاری در آن اقامتگاه داشته و در فرض عدم اقامت از اتباع آن کشور باشد (بند ج ماده ۶ کنوانسیون پاریس). بنابراین اگر کشور مبدأ تشریفات خاصی را برای حمایت از اثر فکری تحمیل نماید، مالک آن جهت برخورداري از حمایت در سایر کشورهای عضو مکلف نیست، ثابت نماید که تشریفات مزبور انجام شده و همچنین است زمانی که کشور مبدأ از اثر مورد بحث که ممکن است اثر ادبی یا اختراع باشد، حمایت نکرده یا به نحو دیگری حمایت نماید (زرکلام، ۱۳۹۸، ۴۵۳).

کی‌رایت اثری که توسط یک کارمند ایجاد می‌شود، متعلق به کارفرما است. بنابراین خواهان حق طرح دعوا نداشت. با این حال، دادگاه تجدیدنظر استدلال کرد؛ ماده ۵،۲ معاهده (برن) در این پرونده موثر بوده و قانون فرانسه به عنوان قانون حاکم بر این اختلاف می‌بایستی اعمال گردد. از آنجایی که قانون کی‌رایت فرانسه تصریحی در خصوص حق مزبور برای کارفرما نداشت. دادگاه تجدیدنظر حکم به نفع فیلمبردار داد. «(بارت و همکاران، ۲۰۱۳، ۵۱-۵۰؛ پی اتر اوت، ۲۰۰۶؛ سایت بی دی سی دیجیتال لا).

بنابراین با پذیرش خصیصه بین‌المللی مالکیت فکری و اختیارات دول عضو در تعدیل قواعد مقرر در معاهدات بین‌المللی فکری بنیادین، اصل استقلال حقوق راهکاری جهت رفع تعارض ناشی از این اختیار در قوانین ملی می‌باشد.

۵-۲-۵. اصل منع رقابت غیرمنصفانه

برخی از صاحب‌نظران حوزه رقابت نامشروع را مبهم و نامعلوم تلقی نموده‌اند (دراوس، ۱۳۹۱، ۹۵). از معاهدات بین‌المللی مالکیت فکری بنیادین، معاهدات تریپس و پاریس صراحتاً به آن پرداخته‌اند. موافقت‌نامه تریپس آشکار نمودن اطلاعات افشاء نشده از جمله اطلاعات مربوط به آزمایشی را که تهیه آنها، مستلزم تلاش قابل توجهی می‌باشد را به عنوان رقابت غیرمنصفانه تلقی نموده است (ماده ۳۹ موافقت‌نامه تریپس). و کنوانسیون پاریس: «هر رقابتی که بر خلاف رویه شرافتمندانه معمول صنعت یا تجارت انجام گیرد

اصل استقلال حقوق «در رأی دادگاه تجدیدنظر فرانسه (شماره ۱۱-۱۲، ۵۰۸-۱۱ و ۱۰-۱۲، ۵۰۹-۱۱ و ۱۰-۱۲، ۵۰۹-۱۱) آوریل ۲۰۱۳) منعکس گردیده است، در پرونده مذکور یک گزارشگر / فیلمبردار توسط یک شرکت آمریکایی در سال ۱۹۷۸ استخدام شد و سپس در سال ۱۹۹۳ نقشی در زیرمجموعه فرانسوی آن بر عهده گرفت. وی پس از اخراجش در سال ۲۰۰۴، شکایتی علیه کارفرما به جهت نقض حق چاپ خود مطرح نمود. تفسیر دادگاه بدوی از قواعد حل تعارض قوانین منجر به اعمال قانون کشور مبدأ اثر، یعنی ایالات متحده شد که طبق قوانین آن

گردید. لیکن دادگاه تجدیدنظر، اعتراض خواهان بدوی را به استناد ماده ۶ مکرر و ماده ۱۰ کنوانسیون پاریس وارد تشخیص داد. زیرا برابر اسناد و مدارک ارائه شده توسط خواهان، علامت تجاری ایکس-لیدی نیو جنریشن فشن (X-Lady New Generation Fashion)، در سال ۲۰۰۲ به نام تجدیدنظرخواه در کشور ترکیه که عضو کنوانسیون پاریس می‌باشد، ثبت گردیده است. و برابر ماده ۶ مکرر این کنوانسیون نقل یا تقلید علامت تجاری مشهور متعلق به شخصی که می‌تواند از کنوانسیون مزبور استفاده نماید، با تقاضای ذی‌نفع قابل ابطال است و در وضعیتی که قسمت اصلی علامت شامل نقل علامت مشهور یا تقلیدی است که مؤثر در ایجاد اشتباه با آن است نیز به همین ترتیب رفتار خواهد شد و برابر ماده ۱۰ مکرر کنوانسیون پاریس «... هر عملی که به نحوی از انحاء، موجب اشتباه با مؤسسه و محصولات و فعالیت صنعتی تجارتی رقیب شود، ممنوع است.» و در مانحن فیه علامت مورد تقاضای ابطال، قسمت اصلی علامت ثبت شده به نام تجدیدنظرخواه بوده و علامت تجدیدنظرخواه جزو علائم مشهور محسوب می‌گردد و ثبت آن به نام تجدیدنظرخوانده موجب اشتباه و گمراهی مصرف‌کننده گردیده و رقابت نامشروع را در پی خواهد داشت.» (امی، ۱۳۹۹، ۱۷۱-۱۷۰).

بدین ترتیب اصل منع رقابت غیرمنصفانه با ممنوع نمودن اقداماتی که منجر به نقض حقوق مالکیت فکری می‌گردد به حمایت هر چه بیشتر این نوع از مالکیت می‌پردازد.

که ممکن است به‌نحوی از انحاء موجب اشتباه با محصولات یا فعالیت صنعتی یا تجارتی یک رقیب یا تزلزل اعتبار مؤسسه وی گردد را رقابت نامشروع تلقی، کشورهای عضو را مکلف به اتخاذ روش‌های حمایتی از اتباع دول عضو در این خصوص می‌نماید.» (ماده ۱۰ کنوانسیون پاریس) از جمله مصادیق رقابت نامشروع که می‌بایستی توسط دول عضو ممنوع گردند، عبارتند از؛ «هر اقدامی که به نحوی از انحاء موجب سردرگمی در تشخیص مؤسسه، محصولات یا فعالیت‌های صنعتی یا تجاری دیگری گردد یا اظهارات خلاف واقع تجاری که ممکن است، موجب تزلزل اعتبار مؤسسه، محصولات یا فعالیت صنعتی یا تجاری رقیب شود. همچنین نشانه‌ها و اظهاراتی که استفاده از آنها در تجارت، موجب سردرگمی عموم مردم در خصوص طبیعت، فرایند تولید، ویژگی‌ها، کمیت و تناسب با هدف مصرف‌کننده گردند.» (بند ۳ ماده ۱۰ کنوانسیون پاریس) همان‌طور که اشاره شد، دول عضو کنوانسیون پاریس مکلف به اتخاذ روش‌های حمایتی در برابر رقابت نامشروع می‌باشند. یکی از این روش‌ها، حمایت قضایی است که با توجه به الحاق کشور جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون پاریس، مطالعه رویه قضایی ایران در این خصوص مفید می‌باشد. در پرونده «شرکت چکما تکستیل صنایع و تجارت با مسئولیت محدود بر علیه محمد قراگزلو و اداره مالکیت صنعتی به خواسته ابطال علامت تجاری ایکس لیدی (X-Lady)، دعوای خواهان در مرحله بدوی به دلیل عدم ارائه دلیلی مبنی بر شهرت جهانی علامت تجاری وی رد

۵-۲-۶. اصل منع سوءاستفاده از حق

این نظریه پذیرفته شد که اصل رفتار ملی، کامله الوداد و منع رقابت نامشروع در کنار اصل لزوم اعطای حقوق حداقلی، منجر به حمایت بین‌المللی از مصادیق فکری می‌گردد. لیکن قلمرو این حمایت محدود بوده و سوءاستفاده از حق را شامل نمی‌شود. چرا که سوءاستفاده از حق همواره مذموم بوده و توسط قانون‌گذاران ممنوع گردیده است.

بر طبق موافقت‌نامه تریپس «مقررات این موافقت‌نامه مانع از آن نخواهد بود که اعضاء در قوانین خود آن دسته از رویه‌ها یا شرایط صدور مجوز را که در موارد خاصی می‌توانند؛ سوءاستفاده از حقوق مالکیت فکری تلقی شده و بر رقابت در بازار اثر سوء داشته باشند را مشخص نموده، اقدامات مقتضی جهت ممانعت یا کنترل رویه‌های مزبور اتخاذ نمایند.» و در مقدمه این موافقت‌نامه «دول عضو مکلف شده‌اند تضمین نمایند، ضوابط و رویه‌هایی که به منظور حمایت از مالکیت فکری اتخاذ می‌شوند، به مانعی بر سر راه تجارت مشروع تبدیل نگردد.» با مطالعه موافقت‌نامه تریپس بدین نتیجه می‌رسیم؛ استفاده انحصاری از اختراعات، مدارهای یکپارچه، اسرار تجاری و واژه‌های توصیفی در علائم تجاری، حسب مورد ممکن است مصادیق سوءاستفاده از حق تلقی گردند.

اما سوءاستفاده از حق چیست؟ به نظر دکترین حقوقی صاحب حق تا آنجایی که از حدود قانون و اختیارات خود تجاوز ننماید، می‌تواند حق خود را به هر صورت و هر اندیشه به کاربرد (کاتوزیان، ۱۳۵۸، ۱۰۳). بنابراین صرف داشتن موقعیت برتر

حتی اگر توسط واحدهای تجاری مسلط اتخاذ گردد، به هیچ وجه منافاتی با استانداردهای رقابتی نداشته، بلکه سوءاستفاده از آن نامشروع تلقی می‌گردد (رهبری و حسنی سنگانی، ۱۳۹۸، ۱۷). از جمله مصادیق سوءاستفاده از حق در مالکیت فکری «امتناع از انجام معامله و اعطای لیسانس، قیمت‌گذاری تهاجمی، له‌کننده و گزاف، معامله انحصاری، تخفیف وفاداری، تبعیض قیمتی می‌باشند.» (رهبری و حسنی سنگانی، ۱۳۹۸، ۳۶) مطابق کنوانسیون پاریس؛ «دول عضو می‌توانند برای جلوگیری از سوءاستفاده‌هایی همچون عدم بهره‌برداری غیرموجه در طی ۳ سال از تاریخ صدور گواهی‌نامه مربوطه که ممکن است از اعمال حق انحصاری تفویض شده بوسیله گواهی‌نامه‌های اختراع یا نمونه‌های اشیاء مفید، ناشی شود، تدابیر قانونی لازم را اتخاذ نمایند. این تدابیر هنگامی می‌تواند منجر به زوال حق گواهی‌نامه اختراع شوند که صدور مجوزهای اجباری برای جلوگیری از سوءاستفاده‌های مذکور کافی نباشند. هم‌چنین در صورتی که بهره‌برداری از علامت برای ثبت علامت ضروری بوده و پس از صدور گواهی بدون عذر موجه در طی مدت معقولی از آن بهره‌برداری نشود.»

در رابطه با آثار ادبی و هنری نیز امکان سوءاستفاده از حق متصور است. بدین جهت بر طبق ماده ۳ پیوست معاهده برن: «چنانچه اثر به شکل چاپی یا هر شکل دیگر مشابه تکثیر، توسط دارنده حق تکثیر (یا با اجازه او)، به قیمتی مشابه قیمت آثار مشابه در آن کشور برای فروش عرضه نشده باشد.

به زبان عمومی کشوری که مجوز در آن درخواست شده، مشروط بر آن که صرفاً برای اهداف آموزشی و دانشگاهی تهیه و منتشر شوند، امکان‌پذیر می‌باشد.» (محمدزاده وادقانی و محسنی، ۱۳۸۸، ۳۸۹-۳۸۸).

۶. نتیجه

نظر به ماندگاری و پذیرش اصول تحت بررسی (اصل رفتار ملی، اصل کامله الوداد، اصل لزوم پیش‌بینی حداقل حقوق، اصل استقلال حقوق، اصل منع سوءاستفاده از حق و اصل منع رقابت غیرمنصفانه) توسط دول متعاقد و وحدت ملاک از بخش ج بند ۱ ماده ۳۸ دیوان بین‌المللی دادگستری لاهه، این نظریه قابل طرح است که این اصول را به جهت پذیرش آن توسط ملل متمدن که همان دول متعاقد می‌باشند، اصول کلی حقوق بین‌المللی مالکیت فکری بنامیم.

۷. سهم نویسندگان

سهم نویسندگان از این مقاله یکسان می‌باشد.

۸. تضاد منافع

در این مقاله تضاد منافع وجود ندارد.

اتباع این کشور می‌توانند به منظور رفع نیازهای عمومی یا آموزشی و دانشگاهی مجوز تکثیر و انتشار این چاپ را به قیمت مشابه آثاری از این قبیل یا مبلغی کمتر دریافت کنند. اگر پس از انقضای مدت قابل اعمال نسخه‌های مجاز این نشر طی مدتی بیش از ۶ ماه به منظور رفع نیازهای عمومی یا آموزشی و دانشگاهی به قیمتی مشابه قیمتی که در این کشور برای آثار مشابه درخواست می‌شود به فروش گذاشته نشوند، مجوز تکثیر و انتشار چاپی اثر مزبور توسط مقام صالح قابل اعطاء است. علاوه بر آن در صورتی که ترجمه مورد نظر توسط دارنده حق ترجمه یا با اجازه او منتشر نشده و یا اینکه ترجمه آن به زبانی عمومی کشور محل تقاضا نباشد، امکان صدور مجوز بر طبق ماده مذکور منتفی می‌باشد. همچنین است در صورتی که نسخه‌های چاپی یک اثر در کشور مزبور، توسط دارنده حق تکثیر یا با اجازه او به منظور رفع نیازهای عمومی یا آموزشی، تحصیلی یا دانشگاهی به مبلغی مشابه (مبلغی که در این کشور برای آثار مشابه رایج است) به فروش گذاشته شود، هرگونه مجوز صادره به استناد همین مقرر منقضی می‌گردد. مشروط به آن که این چاپ به همان زبان و با همان محتوایی بوده که برایش به استناد این ماده مجوز نشر صادر شده است. توزیع تمام نسخه‌های چاپ شده در جریان چرخه تا قبل از انقضای مجوز مجاز می‌باشد. همچنین تحت مقررات این ماده تکثیر صوتی-تصویری، تثبیت مجاز صوتی-تصویری و نیز تکثیر هرگونه اثر حمایت شده مندرج در آن و ترجمه متن همراه آن

منابع

- زرکلام، ستار، حقوق مالکیت ادبی و هنری، چاپ پنجم، تهران، انتشارات سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت) پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی، ۱۳۹۸.
- شیخی، مریم، اصول حقوق مالکیت فکری، چاپ اول، تهران، بنیاد حقوقی میزان، ۱۳۹۴.
- صادقی، محسن، اصول حقوقی و جایگاه آن در حقوق موضوعه، چاپ دوم، تهران، نشر میزان، ۱۳۹۴.
- فتحی‌زاده، امیرهوشنگ، «اصل کامله الوداد در سازمان جهانی تجارت»، ویژه‌نامه W.T.O، شماره بیست و هفتم، ۱۳۸۸.
- کاتوزیان، ناصر، «سوءاستفاده از حق یا تقصیر در اجرای حق»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره بیست و یکم، ۱۳۵۸.
- کک دین، نگوین، دیبه، پاتریک، پله، آلن، حقوق بین‌الملل عمومی، مترجم حسن حبیبی، چاپ اول، تهران، انتشارات اطلاعات، ۱۳۸۲.
- محمدزاده وادقانی، علیرضا، گفتاری در حقوق بین‌الملل مولف و حقوق مجاور، چاپ اول، تهران، بنیاد حقوقی میزان، ۱۳۹۳.
- محمدزاده وادقانی، علیرضا، محسنی، حسن، «ترجمه معاهده برن برای حمایت از آثار ادبی و هنری (۱)»، فصلنامه حقوق مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره سی و نهم، شماره دوم و سوم، ۱۳۸۸.
- امی، محمد حسن، مالکیت فکری در رویه قضائی ایران، چاپ اول، بنیاد حقوقی میزان، ۱۳۹۹.
- انصاری، اعظم، حاجیان، محمدمهدی، «اصول حقوقی و تفسیر مقررات سازمان جهانی تجارت»، فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی، سال چهارم، شماره چهاردهم، ۱۳۹۵.
- بولانژه، ژان، «اصول کلی حقوق و حقوق موضوعه»، مترجم علیرضا محمدزاده وادقانی، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره سی و ششم، ۱۳۷۶.
- جرویس، دانیل، موافقت‌نامه تریپس، تاریخچه تدوین و تحلیل مواد، مترجم رضا شکوهی‌زاده، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۹۵.
- حیاتی، علی‌عباس، «مفهوم اصول حقوقی و مقایسه آن با قاعده حقوقی (مطالعه تطبیقی در حقوق ایران و فرانسه)»، فصلنامه علمی پژوهشی دانش حقوق مدنی، شماره دوم، ۱۳۹۷.
- دراهوس، پیتر، فلسفه مالکیت فکری، مترجم محمود حکمت‌نیا، مهدی معلی، علی تقی‌خانی، چاپ اول، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۱.
- رهبری، ابراهیم، حسنی سنگانی، وحید، حقوق رقابت در عرصه مالکیت فکری، جلد دوم، چاپ اول، تهران، انتشارات سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی، ۱۳۹۸.

infringement cases”, Journal of Private International Law, Taylor & Francis, 2013.

- Meng, Li. “Intellectual Property and Regulatory Autonomy, Lessons from Investment Protection Arbitration”, Hokkaido University, Vol. 50, 2018.

- Mitchell, A D. “The Legal Basis For Using Principles In WTO Disputes”, Journal of International Economic Law. Vol. 10, No. 4, 2007.

- Piotrautl, J L. “An Att ooss ii gtt s-Based Copyright Law: The Fairness and Morality of French and American Law Compared”, Cardozo Law's Arts & Entertainment Law Journal. Vol. 25, No. 549, 2006.

- Teich, M. Porter, R. The Industrial Revolution in National Context: Europe and the USA, Cambridge University Press, 1996.

- Ragavi, R. Re-imagining the Principle of National Treatment: Addressing Private International Law Issues in Copyright Infringement in the Internet Era, A thesis for the Master of Laws degree, The University of Western Ontario, 2015.

- Reichman, J.H. “Universal Minimum Standards of Intellectual Property Protection under the TRIPS Component of the WTO Agreement”, Published By American Bar Association, Vol. 29, No. 2, 1995.

- Report of the Commission to the General Assembly on the work of its thirty-first session, ILC Yearbook vol. II, Part Two, 16, United Nations Publication, New York, Article 5, 1979.

- UNCTAD Series on Issues in International Investment Agreements IIM, Most-Favoured treatment, United Nations New York and Geneva, 2010.

- محمودی کردی، زهرا، «ماهیت اصول کلی حقوقی و کارکردهای آن در حقوق بین‌الملل»، مجله حقوقی بین‌المللی، دوره سی و پنجم، ۱۳۹۷.

- سایت بی دی سی دیجیتال لا آخرین مراجعه - ۱۴۰۰/۱۱/۱۶، قابل دسترسی در:

<https://ccdigitallaw.ch/index.php/english/copyright/1/1-1-principe-de-territorialite>

منابع لاتین

- Bart, A H. Englund, S R. Kohlmann, S J. Higginson Carletta F. Copyright in 26 jurisdictions worldwide, Getting The Deal Through, Published By Gideon Robertson, 2013.

- Bouchoux, D E. Intellectual Property: The Law of Trademarks, Copyrights, Patents, and Trade Secrets, Forth Edition, Published By Delmar Publications, 2013.

- Ill ston, “Principles of Intellectual Property Law” Cambridge University Press, 1999.

- Dinwoodie G “Developing a Private International Intellectual Property Law; Demise of Territoriality?” William & Mary Law Review, Forthcoming; Oxford Legal Studies Research Paper, No. 52, 2009.

- Macce G Z “Conflicts of Jurisdictions The Relationship between the WTO Agreement and MEAs and other Treaties”, Journal of World Trade Law Economic public Policy, Published By Kluwer Law International Vol. 35, No. 6, 2001.

- Matl iyytè, R. “Calling for party autonomy in intellectual property